

آموزش پیش از ازدواج

آشنایی (قسمت دوم)

اهداف آموزشی

- ♦ امید است خوانندگان محترم پس از مطالعه: اولین ویژگی محرک آشنایی را بشناسند.
- ♦ نظریه های آشنایی را توضیح دهند.
- ♦ فواید و محدودیت های آشنایی را شرح دهند.

خاطره بره مقدم

عضو هیات تحریریه فصلنامه بهورز



مقدمه

اما هنگامی که در این تحقیق مردان و زنان ویژگی های با اهمیت برای انتخاب همسر را دسته بندی کردند، فهرست به طور معناداری شبیه به هم بود. این فهرست به ترتیب اولویت عبارت بود از:

۱. صداقت
۲. وفاداری و تعهد
۳. حساسیت
۴. خونگرمی
۵. مهربانی
۶. خلق و خو
۷. ملایمت
۸. صبر و شکیبایی
۹. متانت و وقار

به نظر می رسد که «شخصیت» در انتخاب همسر مهم تر از ظاهر فرد است (کانینگهام و دیگران، ۱۹۹۷) و نگرش های جامعه پذیر مرد برخی اوقات برای خانم ها ممکن است از نفوذ اجتماعی مرد، دلخواه تر باشد (گرازیانو و دیگران، ۱۹۹۷).

جذابیت ظاهری می تواند فرد را در گیر فرآیند آشنایی کند، اما لزوماً ارتباط طولانی مدت و شادی را به همراه نخواهد داشت. باوجود همه آنچه که هر دو جنس درباره جذابیت ایده آل مد نظر دارند، به طور واقعی همسری را انتخاب می کنند که به لحاظ جذابیت همانند خودشان باشد (گرینتلی و واید، ۱۹۸۰).

در شماره گذشته درباره اهمیت آموزش پیش از ازدواج و ضرورت توجه به امر ازدواج از نگاه اسلام صحبت شد. در این شماره قصد داریم به آشنایی قبل از ازدواج بپردازیم. آشنایی، فرآیند تبادل اطلاعات و عواطف بین دو نفر از جنس مخالف به منظور تصمیم گیری برای ازدواج است. به طور سنتی در جامعه ما آشنایی از طریق خواستگاری انجام می شود که شکل آن در نقاط مختلف ایران متفاوت است.

جذابیت

به طور معمول اولین ویژگی محرک برای آشنایی با یک نفر، جذابیت اوست. جذابیت در آغاز و گسترش آشنایی زن و مرد تأثیر بسزایی دارد.

به طور تقریبی می توان گفت که جذابیت ظاهری در فرآیند آشنایی برای مردان از اهمیت بیشتری برخوردار است و کیفیت های شخصیتی برای زنان مهم تر است.

در مطالعه ای که توسط نوید (۱۹۸۴) انجام شد اولویت های مردان برای آشنایی، بیشتر جنبه های جذابیت ظاهری را در برمی گرفت و اولویت های خانم ها برای آشنایی ترکیبی از ویژگی های ظاهری و شخصیتی بود.



همسر جذاب بر موقعیت اجتماعی فرد تأثیر دارد. اما موقعیت اجتماعی برای برخی از افراد مهم‌تر است. مردانی که برای آنها نگاه دیگران و موقعیت اجتماعی مهم است به ظاهر و جذابیت ظاهری همسر توجه بیشتری دارند، در حالی که مردانی که توجه کمتری به موقعیت اجتماعی دارند، به عوامل شخصیتی ارزش بیشتری می‌دهند و به ظاهر همسر کمتر توجه می‌کنند (سیندر و دیگران، ۱۹۸۵). البته ظاهر جذاب، همیشه به رضایت زناشویی بیشتر یا زندگی شادتر رهنمون نمی‌شود (برشاید و دیگران، ۱۹۷۲). «یک شخصیت قوی در حال شکل‌گیری» یا «بالقوه موفق» برای خانم‌ها جذاب است (دیسراچرس، ۱۹۹۵). به نظر می‌رسد که دورنمای موقعیت مرد برای خانم‌ها اهمیت دارد. تا اینجا به دو عامل «جذابیت ظاهری» و «جذابیت شخصیتی» اشاره شد. سومین عامل جذابیت «موقعیت اجتماعی» فرد است. موقعیت اجتماعی شامل طبقه اجتماعی، موقعیت اقتصادی، شأن و منزلت اجتماعی، شهرت، اعتبار، اصالت خانوادگی، تحصیلات، شغل، قومیت، مذهب، زبان و فرهنگ می‌شود. طبقه اجتماعی بالا برای دیگر طبقات اجتماعی جذاب است، بنابراین امکان این که فردی از طبقه پایین‌تر جذب فردی از طبقه بالاتر شود، وجود دارد. موقعیت اقتصادی نیز ایجاد جذابیت می‌کند. افراد تحت تأثیر میزان درآمد و سرمایه فرد قرار می‌گیرند. موقعیت اقتصادی نقش مهمی در تعیین جایگاه اجتماعی فرد دارد. جایگاه فرد در اجتماع محلی، شهرت و اعتبار خود او و خانواده‌اش به راحتی دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اصالت خانوادگی که در واقع از اعتبار خانواده، جایگاه خانواده و آبروی خانوادگی ترکیب شده است، در نظر خانواده‌های ایرانی اهمیت فراوانی دارد و به شدت ایجاد جذابیت می‌کند.

تحصیلات فرد از دو جهت مهم است. یکی به دلیل این که تحصیلات بالاتر، شغل بهتر و وضعیت اقتصادی بهتری را نوید می‌دهد و در عین حال از توانمندی، هوش و فهم فرد نیز خبر می‌دهد. بسیاری از ما براحتی تحت تأثیر تحصیلات فرد قرار می‌گیریم.

تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند که دانشجویان به شباهت‌های شخصیتی و نگرشی توجه می‌کنند، به ویژه زمانی که چندان درگیر عشق نیستند (فاین گلد، ۱۹۹۰). هرچه شباهت‌ها بین دو نفر بیشتر باشد، جذابیت بیشتری به وجود می‌آید. «شباهت‌ها» بیشتر در زمینه اندیشه‌ها، باورها و نگرش‌ها است. دو نفر که اندیشه، باور و نگرش نزدیک به هم دارند، جذابیت بیشتری را بین خود احساس می‌کنند. شباهت در سایر موارد زندگی از قبیل شباهت در تجربه‌ها، شباهت در حوادث غم‌انگیز، شباهت از نظر عضویت در گروه‌های سیاسی یا اعتقادی خاص، اهداف مشابه و همانند، فعالیت‌های همانند و مشترک، همگی ایجاد جذابیت می‌کند. یکی دیگر از منابع جذابیت «تضادها و تفاوت‌هایی» است که باهم داریم. یک فرد خجالتی ممکن است فردی صبور و شجاع را جذاب بداند. فردی که کم حرف بی‌سر و صداست را جذاب بداند. تضادها و تفاوت‌ها به صفات و شرایطی اشاره دارد که ما تجربه نکرده‌ایم یا فاقد آن هستیم؛ اما آن را جذاب می‌دانیم و می‌خواهیم که صاحب آن صفت یا دارای آن شرایط شویم. فردی که خانواده آشفته‌ای داشته است و خانواده آرام فرد مقابل را جذاب می‌داند، این جذابیت به دلیل «تضاد و تفاوت» ایجاد شده است.

دو نظریه قدیمی در این باب وجود دارد. یکی نظریه همسان همسری و دیگری نظریه ناهمسان همسری.

نظریه همسان همسری استوار بر این فرض است، که هر چه شباهت‌ها و همانندی‌ها بیشتر باشد دو طرف بیشتر مایل به آشنایی با یکدیگر هستند. به عبارت دیگر کبوتر با کبوتر، باز با باز

کند هم جنس با هم جنس پرواز نظریه ناهمسان همسری بیان می‌کند که ما بیشتر به افرادی علاقمند می‌شویم، که ما را کامل می‌کنند. به عنوان مثال فرد خجالتی از فرد جسور خوشش می‌آید، یا یک فرد اجتماعی و اهل رفت و آمد یک فرد منزوی و اهل مطالعه را جذاب می‌داند. فرض اصلی این نظریه این است، که ما تمایل داریم کسی را جست‌وجو کنیم که دارای آن چیزی است که ما نداریم و مایل به داشتن آن هستیم. بسیاری از مردم این نظریه را می‌پذیرند، چرا که به نظر می‌رسد منبعی برای شهود و احساس در آن نهفته است. اما اگر آشنایی را از انتخاب همسر جدا کنیم، واقعیت آشکار می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که در بیشتر ازدواج‌های موفق دو طرف به طور معمول از بسیاری جهات به هم شبیه هستند.

نظریه دیگری که برای توضیح فرآیند آشنایی تا انتخاب همسر مفید است، نظریه صافی است. این نظریه بیان می‌کند که مردم برای آشنایی و در نهایت انتخاب همسر از صافی‌های پیچیده‌ای عبور می‌کنند که به تدریج دامنه مخروطی آن تنگ‌تر می‌شود و انتخاب محدودتر می‌شود تا در آخر به یک انتخاب می‌رسند.

همان‌طور که در شکل می‌بینید تعداد افراد بالقوه به مرور کاهش می‌یابد.

اولین صافی یا اولین عامل تأثیرگذار آشنایان هستند. منظور از آشنایان، اقوام، خویشان، دوستان، همسایگان، همکاران، همکلاسی‌ها و... هستند که با آن‌ها مواجه می‌شویم، آن‌ها را می‌بینیم و با آن‌ها آشنا می‌شویم. مکان جغرافیایی و زمان آشنایی عوامل مؤثری هستند که در این مرحله تأثیر گذارند.

البته رسانه‌های جدید از قبیل اینترنت، فضا و زمان مجازی برای ارتباط ایجاد کرده‌اند، که آن‌ها را نیز می‌توان در این صافی مؤثر دانست.

منظور از صافی پیشینه اجتماعی گروه قومی و نژادی، طبقه اجتماعی، اقتصادی و سن است که در این مرحله افراد به طور هشیار یا ناهشیار آن را لحاظ می‌کنند.

جذابیت در مرحله بعد به شکل یک صافی عمل می‌کند و در تصمیم‌گیری افراد مؤثر است.

همسانی و هماهنگی، بیشتر معطوف به شخصیت، علایق، باورها و ارزش‌هاست، هر چه افراد به لحاظ این چند عامل با هم هماهنگی بیشتری داشته باشند، احتمال این که با هم ازدواج کنند، بیشتر است.



صافی سنجش در واقع ارزیابی ما از ارتباط است. در این مرحله ما ارزیابی می‌کنیم که در ارتباط چه می‌دهیم و چه به دست می‌آوریم. اگر در ارزیابی ما آن‌چه که می‌دهیم با آن‌چه به دست می‌آوریم متناسب بود، اغلب به سوی ارتباط متقابل متعهدانه یا ازدواج پیش خواهیم رفت.

فواید آشنایی

چهار فایده عمده آشنایی به ترتیب عبارتند از:

۱. مشاهده متفاوت بودن افراد با یکدیگر و آشنا شدن با افراد مختلف، به ما کمک می‌کند تا گستره تفاوت‌ها را در افراد جامعه خود مشاهده کنیم. همه ما بواقع منحصر بفرد هستیم و با وجود شباهت‌های فراوانی که با هم داریم، تفاوت‌های خاص خودمان را هم داریم. آشنایی با گستره‌ای از افراد، به ما کمک می‌کند که این تفاوت‌ها را از نزدیک ببینیم.

۲. تعامل با افراد دیگر به ما کمک می‌کند تا خود را بهتر بشناسیم. مردم به شیوه‌های گوناگون فکر می‌کنند و رفتار می‌کنند. آگاهی بیشتر از این تفاوت‌ها به ما در شناخت تفاوت‌های خود با دیگران و نیز شباهت‌های خود با دیگران کمک می‌کند و در نهایت ما را در شناخت بهتر آن‌چه که هستیم و آن‌چه که دوست داریم باشیم، یاری می‌کند.



زمانی که با افراد بسیار متفاوتی روبرو می‌شویم که به لحاظ پیشینه، خانواده و شخصیت با ما تفاوت‌های زیادی دارند، درباره خود بیشتر و بیشتر می‌آموزیم. آشنایی بستری است برای شناخت بهتر خود.

۳. در فرآیند آشنایی می‌فهمیم که از چه اموری خوش‌مان می‌آید و از چه چیزهایی بدمان می‌آید. آشنایی به ما کمک می‌کند تا بهتر و روشن‌تر بدانیم که به دنبال چه کسی هستیم و چه ویژگی‌ها و خصوصیات را در شریک زندگی خود جست‌وجو می‌کنیم. آشنایی به ما کمک می‌کند تا بدانیم با چه ویژگی‌هایی احساس راحتی می‌کنیم و چه افرادی با چه خصلت‌هایی ما را ناراحت می‌کنند.

۴. فرآیند آشنایی به ما در یادگیری مهارت‌های ارتباطی کمک می‌کند. آشنایی به ما فرصت‌های زیادی برای تجربه ارتباط با افراد دیگر می‌دهد. ما مجبور هستیم که در یک ارتباط، تصمیم‌های زیاد و مهمی بگیریم؛ تصمیم‌هایی از قبیل این که چه بگوییم و چه کاری انجام دهیم و مجبور هستیم که به پیامدهای رفتاری خود توجه کنیم. همان‌گونه که متوجه پیامد گفتار و رفتار دیگران بر خود هستیم.

محدودیت‌های آشنایی

به طور واضح آشنایی می‌تواند تجربه با ارزشی باشد، اما محدودیت‌ها و معایب خاص خودش را هم دارد که در چهار مورد خلاصه می‌کنیم.

۱. در فرآیند آشنایی هر دو نفر تلاش می‌کنند تا فقط جنبه‌های مثبت خود را بیان کنند. البته این معمول است که افراد وقتی می‌خواهند با هم آشنا شوند، تلاش کنند تا فقط جنبه‌های مثبت خود را بروز دهند.

مشکل در این نیست که تنها وجوه مثبت در آشنایی برجسته می‌شوند، مشکل اینجاست که در این فرآیند افراد تصویر تحریف شده و غیرواقع بینانه‌ای از یکدیگر خواهند داشت. بعد از ازدواج، زمانی که چهره واقعی فرد و وجوه منفی او آشکار شود، همسر او دچار تعارض خواهد شد که چگونه او به این میزان متفاوت فکر می‌کند، رفتار می‌کند و حتی صحبت می‌کند.

۲. دور شدن از دوستان و فعالیت‌های معمول روزمره، یکی دیگر از محدودیت‌های آشنایی است. زمانی که ما درگیر یک آشنایی جدی و مهم هستیم، خیلی معمولی است که توجه ما فقط به آن فرد خاص معطوف باشد و از دیگران غافل شویم و توجه کمتری به درس، کار و فعالیت‌های اجتماعی داشته باشیم.

۳. کوتاهی و قصور در مواجهه با موضوعات و مسایل مشترک در زمان آشنایی. یکی از تابوهای زمان آشنایی، بیان مسایل مرتبط با آنچه که در حال رخ‌دادن است و مسایل مربوط به ارتباط فعلی است. ما در زمان آشنایی باید به مشکلات و مسایل همین دوره نیز پردازیم یا حداقل در این جهت گام برداریم. احتمالاً برای حفظ شور و شوق و جذابیت ارتباط از کنار این مسایل می‌گذریم و آنها را سر بسته رها می‌کنیم. اما این مسایل نابود نخواهند شد و مانند آتش زیر خاکستر پنهان خواهند بود، تا زمان آن فرا برسد و سر برکشند.

۴. اگر آشنایی بدون حد و مرز باشد، آمادگی هر دو نفر برای ازدواج را تضعیف می‌کند. آشنایی دو نفره هر چند جهات مثبت بسیاری دارد، اما بیشتر متخصصان بر این باورند که به تنهایی برای ازدواج کافی نیست. هر چند آشنایی شرط لازم ازدواج است، اما شرط کافی نیست. یادگیری در ازدواج موفق بسیار مؤثر است (یادگیری از تجربه اطرافیان، یادگیری از زندگی پدر و مادر و یادگیری از تحقیقات علمی) آمادگی واقعی برای تشکیل خانواده، می‌تواند سخت‌ترین و در عین حال پاداش دهنده‌ترین وظیفه زندگی باشد.

منبع

تألیف و تدوین: مهدی میرمحمدصادقی، دفتر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور